



پژوهش‌های نوین سیاست جغرافیایی

شاپا الکترونیکی: ۷۱۴۰-۳۰۶۰

دوفصلنامه علمی

تحلیل پیامدهای ژئوپولیتیکی مهاجران افغان در ایران

محمود رشنواز^۱، صالح سلاورزی زاده^۲

- ۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل-دانشگاه آزاد اسلامی-واحد امارات، رایانامه: m.rashnavaz@iau.ac.ae
- ۲- دکتری روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبدانان-ایلام-ایران.
- ۳- مقاله علمی، پژوهشی وزارتین گرید B دارای درجه ISC که فصلنامه را به گرید A تبدیل می‌نماید.

تحلیل پیامدهای ژئوپولیتیکی مهاجران افغان در ایران

ایران

افغانستان



امنیت ملی



فشارهای اجتماعی
و فرهنگی



تأثیرات اقتصادی



روابط خارجی
و دیپلماسی



تحولات منطقه‌ای



موازنه قدرت
در منطقه

تحلیل پیامدهای ژئوپولیتیکی مهاجران افغان در ایران

محمود رشنواز^۱، صالح سلاورزی زاده^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات، رایانامه: m.rashnavaz@iau.ac.ae
 ۲. دکتری روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبدانان، ایلام، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: افغانستان، ایران، پناهندگان، حقوق بین‌الملل پناهندگان، سوات، مهاجران.</p>	<p>مهاجرت گسترده افغان‌ها به ایران، یکی از طولانی‌ترین بحران‌های آوارگی جهان، ریشه در درگیری‌های مداوم، بی‌ثباتی اقتصادی و چالش‌های زیست‌محیطی افغانستان دارد. ایران بیش از چهار دهه میزبان میلیون‌ها مهاجر و پناهنده افغان بوده و تا پیش از اخراج‌های گسترده ۲۰۲۵، جمعیت آن‌ها حدود ۴/۵ تا ۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شد. این پدیده پیچیدگی‌های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی ایجاد کرده است سوال پژوهش این است که حضور گسترده و بعضاً غیرقانونی مهاجران افغان چه فرصت‌ها و تهدیداتی برای ایران ایجاد کرده است؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که این مهاجرت فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی را به همراه دارد؛ اما تهدیدات امنیتی و اقتصادی را نیز تشدید می‌کند. این مطالعه توصیفی-تحلیلی با مدل سوات، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند. نوآوری آن یکپارچه‌سازی مدل سوات با حقوق بین‌الملل پناهندگان (کنوانسیون ۱۹۵۱، پروتکل ۱۹۶۷) و ادغام ابعاد روان‌شناختی-اجتماعی-فرهنگی در فرصت‌ها و تهدیدات است. یافته‌ها نشان می‌دهد مهاجران نیروی کار ارزان در بخش‌های کلیدی فراهم می‌کنند، غنای فرهنگی از پیوندهای مشترک ایجاد می‌نمایند و تاب‌آوری اجتماعی عرضه می‌کنند؛ اما فشار بر منابع، تنش‌های مختلف سیاسی-اقتصادی، مشکلات سلامت روان، ناهمخوانی فرهنگی تهدیدات جدی برای جمهوری اسلامی ایران به بار آورده‌اند.</p>

استناد: رشنواز، محمود؛ سلاورزی‌زاده، صالح. (۱۴۰۴) تحلیلی بر مهاجرت نخبگان ایران، پژوهش‌های نوین سیاست جغرافیایی، ۲ (۲)، ۱۳۱-۱۴۹.



DOI: <https://doi.org/10.22034/nrpg.2.2.8>

ناشر: دانشگاه لرستان

مقدمه

تحرك انسانی یکی از واقعیت‌های پایدار تاریخ بشر است که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند درگیری‌های مسلحانه، بحران‌های اقتصادی و جستجوی فرصت‌های بهتر زندگی قرار دارد (Esses et al, 2017: 385). در دهه‌های اخیر، مهاجرت به دلیل افزایش مقیاس و پیچیدگی، به یکی از چالش‌های عمده جهانی تبدیل شده است. افغانستان به دلیل بیش از چهار دهه درگیری مداوم و بی‌ثباتی سیاسی، یکی از بزرگ‌ترین منابع مهاجرت اجباری در جهان بوده است. جمهوری اسلامی ایران بیش از چهار دهه میزبان میلیون‌ها مهاجر و پناهنده افغان بوده و یکی از طولانی‌ترین میزبانی‌های پناهندگان شهری جهان را تجربه کرده است (عباسی شوازی، ۱۳۹۵: ۳۵). تا پیش از اخراج‌های گسترده سال ۲۰۲۵، جمعیت افغان‌ها در ایران بین ۴ تا ۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شد. مهاجرت اغلب به عنوان حرکت از مبدأ به مقصد، یا از محل تولد به مقصد دیگری در سراسر مرزهای بین‌المللی تصور می‌شود. به عنوان مثال اندازه‌گیری جریان‌های دوجانبه جهانی اغلب بر اساس جابه‌جایی از کشوری غیر از محل اقامت معمول یک مهاجر برای مدت حداقل یک سال است، به طوری که کشور مقصد به کشور جدید اقامتگاه معمول مهاجر تبدیل می‌شود. عواقب مهاجرت معمولاً به دلیل مراحل مختلف عدم اطمینانی که ممکن است ایجاد شود، از قبیل تعیین نشده است تا انگیزه مهاجر را برای جابجایی منع کند. هنگامی که یک جامعه میزبان مهاجران اجباری (پناهجویان و پناهندگان) را دریافت می‌کند، به دلیل حفاظت از منابع مشترک محدود در قلمرو خود، مانند زمین، آب، تسهیلات مسکن، منابع طبیعی و معدنی، آمادگی پذیرش مهاجران جدید را ندارند. مهاجران اغلب با چالش‌های پذیرش توسط جوامع میزبان مواجه می‌شوند، از این رو مشکلات در ادغام جمعی، زندگی هماهنگ، تجارت، اعمال فرهنگی، اعتقادات مذهبی، موانع زبانی، شیوه‌های کشاورزی، فعالیت‌های اقتصادی، ادغام اجتماعی، دامداری و غیره. همواره، درگیری بین جوامع میزبان و مهاجران، انسجام اجتماعی و سایر اشکال انحطاط اجتماعی را مخدوش می‌کند. افغانستان یکی از کشورهایی در جهان است که به دلیل درگیری‌های داخلی که در چهل سال گذشته تجربه کرده و منجر به بحران اقتصادی و فقر شده است، بیشترین مهاجرفرستی را به خود اختصاص داده است. افغان‌ها حدود ۵۰ سال است که به طور مداوم به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. اگرچه درگیری‌ها و مسائل امنیتی محرک‌های اصلی مهاجرت افغان‌ها هستند، اما اغلب با عوامل اقتصادی مرتبط و جدایی‌ناپذیرند. جمهوری اسلامی ایران میزبان یکی از بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین موقعیت‌های پناهندگی شهری در جهان است و بیش از چهار دهه است که به پناهندگان پناه داده است (عباسی شوازی، ۱۳۹۵: ۳۷). نیم‌قرن پس از تهاجم شوروی در سال ۱۹۷۹ و امواج خشونت‌آمیز متعاقب آن، آوارگی از افغانستان در طولانی‌ترین وضعیت پناهجویان تحت فرمان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد ادامه دارد. بیشتر آوارگان و مهاجران افغانی در ایران و پاکستان ساکن هستند. در ایران به لطف سیاست‌های مترقی و فراگیر دولت، پناهندگان به فرصت‌های آموزشی، بهداشتی و معیشتی دسترسی پیدا کرده‌اند. تخمین زده می‌شود که درصد خیلی بالایی از پناهندگان در ایران در شهرها، شهرک‌ها و روستاها در کنار جامعه میزبان ایرانی زندگی کنند (UNHCR, 2025a). این پژوهش با استفاده از رویکردی توصیفی و تحلیلی به دنبال پاسخ به این مسئله‌ی پژوهش است که حضور گسترده و بعضاً غیرقانونی مهاجرین افغانی چه فرصت‌ها و چالش‌های برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نموده است؟

مبانی نظری

الف - تعریف مفاهیم و چارچوب تئوریک

مهاجر: هیچ تعریف جهانی و قانونی از «مهاجر» وجود ندارد. «دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد» طبق دستور کمیساریای عالی برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر همه افراد، مهاجر را به عنوان «هر فردی که در خارج از کشوری که شهروند یا تبعه آن هستند، یا در مورد یک فرد بدون تابعیت، کشور محل تولد یا محل سکونت معمول خود است» توصیف کرده است. از این رو «مهاجر» به عنوان یک اصطلاح برای توصیف گروهی از مردم استفاده می‌شود که در عدم وابستگی شهروندی به کشور میزبان خود مشترک هستند (Ohchr, 2025: 1).

پناهنده^۱: پناهنده در حقوق بین‌الملل به طور دقیق به عنوان فردی که از آزار و اذیت یا درگیری در کشور خود یا کشور مبدأ خود فرار می‌کند، تعریف می‌شود. همانطور که در بالا ذکر شد، تعریف دقیق و جهانی از مهاجر وجود ندارد. تاکید بر این نکته مهم است که پناهندگان حق دارند از حمایت کامل قانون پناهندگی، از جمله محافظت در برابر اخراج یا بازگشت به موقعیت‌های آزار و اذیت که زندگی و آزادی آنها در خطر است، برخوردار شوند (Ohchr, 2025: 1).

مهاجرت^۲: مهاجرت عبارت است از انتقال داوطلبانه یا غیرارادی افراد به کشور جدیدی که قصد دارند برای مدت طولانی در آن ساکن شوند (Esses et al, 2017: 385).

ارتباط تئوریک مهاجرت و جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک)

مهاجرت نه تنها یک پدیده اجتماعی-اقتصادی، بلکه ابزاری ژئوپلیتیکی است که روابط بین‌المللی، قدرت منطقه‌ای و تنش‌های سیاسی را شکل می‌دهد. از منظر نظریه‌های ژئوپلیتیک، مهاجرت می‌تواند به عنوان یک "سلاح نرم" یا عامل بی‌ثبات‌کننده عمل کند، جایی که جریان‌های مهاجرتی برای اعمال فشار سیاسی یا اقتصادی بر کشورهای میزبان یا مبدأ مورد استفاده قرار می‌گیرد (Öztürk, 2023: 248). نظریه سیستم‌های مهاجرتی بیان می‌کند که مهاجرت در چارچوب سیستم‌های ژئوپلیتیکی رخ می‌دهد، جایی که کشورها از طریق پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به هم متصل هستند و مهاجرت می‌تواند این پیوندها را تقویت یا تضعیف کند (Castles & Miller, 2009: 27-30). در روابط ایران و افغانستان، ژئوپلیتیک همسایگی و درگیری‌های منطقه‌ای (مانند نقش طالبان و تحریم‌های ایران) مهاجرت را به ابزاری برای مذاکره دیپلماتیک تبدیل کرده است (Siavoshi, 2024: 212).

نظریه ژئوپلیتیک ترس مهاجرت را به عنوان "تهدید امنیتی" قلمداد می‌کند، که در آن رسانه‌ها و سیاست‌ها مهاجران را به عنوان عامل بی‌ثباتی تصویر می‌کنند و این امر تنش‌های داخلی و خارجی را تشدید می‌نماید (Pain, 2009: 470). در زمینه تغییرات اقلیمی، مهاجرت اجباری ناشی از خشکسالی در افغانستان ریسک‌های ژئوپلیتیکی برای ایران ایجاد می‌کند، مانند فشار بر مرزها و منابع (McLeman, 2014: 145). این تئوری‌ها نشان می‌دهند که مهاجرت افغان‌ها به ایران نه تنها انسانی، بلکه ژئوپلیتیکی است و نیازمند رویکردی استراتژیک برای مدیریت تنش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها است.

ب- پیشینه پژوهش

کاکر^۳ (۲۰۲۶)، در پژوهشی با عنوان «بازگشت اجباری پناهندگان افغان» به این موضوع پرداخته است که اخراج‌های گسترده افغان‌ها از ایران (بیش از یک میلیون نفر از ژوئیه ۲۰۲۵) را در چارچوب فشارهای اقتصادی و امنیتی توصیف می‌کند. از دیدگاه نویسنده این روند ژئوپولیتیک بحران انسانی در افغانستان را تشدید می‌کند، تنش‌های مرزی را افزایش می‌دهد و نیاز به همکاری بین‌المللی برای جلوگیری از بی‌ثباتی منطقه‌ای را برجسته می‌سازد.

سیاوشی^۴ (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان «افغان‌ها در ایران: دولت و عملکرد سیاست‌های مهاجرتی» بیان می‌کند که جمهوری اسلامی از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۷۹، یکی از بزرگ‌ترین جمعیت مهاجر/پناهنده افغان را در میان کشورهای دیگر پذیرفته است. برای تبیین سیاست‌های مهاجرتی ایران و تغییرات آن در طول زمان، این مطالعه جستجویی برای پاسخ به دو سؤال مرتبط با یکدیگر را گرد هم می‌آورد: اول، چگونه و چرا این سیاست‌ها به وجود آمدند و دوم، اینکه دولت تا چه حد بر چنین سیاست‌های پیامدی کنترل می‌کند.

محسنی و دیگران^۵ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان: «شناسایی مؤلفه‌های کیفیت سلامت زندگی در کمپ پناهندگان افغانستانی سازمان ملل در استان فارس، ایران: یک مطالعه کیفی» به بررسی وضعیت سلامت و بهداشت مهاجرین افغان در ایران و مولفه‌های تأثیرگذار در این زمینه پرداخته‌اند. در این مطالعه مشخص شده است که موانع و مشکلات در قالب کمبود منابع مالی، موانع اجتماعی

1. Refugee
2. Migration
3. Kakar
4. Siavoshi
5. Mohseni et al.

و مسائل فرهنگی و قومیتی مطرح شده است. نبود شغل مناسب، درآمد پایین، تورم در ایران (به دلیل تحریم‌های اخیر) و در دسترس نبودن داروهای لازم از جمله موانع جدی ارتقای کیفیت بهداشت و درمان بیماری‌های مهاجران است.

حسینی^۱ و جهان‌دیده^۲ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «تجربیات مشترک شوک‌های اقتصادی چگونه بر پناهندگان و جوامع میزبان تأثیر می‌گذارد؟ شواهدی از پناهندگان افغان در ایران» با استفاده از داده‌های نظرسنجی از شامل ایرانیان و پناهندگان افغان در ایران در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۹، تأثیر نابرابر نوسانات کلان اقتصادی ناشی از اختلاف هسته‌ای ایران را بر پناهندگان افغان و جوامع میزبان بررسی می‌کند.

مقدم^۳ و جدلی^۴ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ی خود با عنوان «مهاجرت و انقلاب در ایران: سیاست پناهندگی و تحکیم دولت» به موضوع سیاست پناهندگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه به مهاجرین افغان پرداخته و بیان کرده‌اند که در ماه می ۲۰۱۹، اظهارات عباس عراقچی معاون وقت وزیر امور خارجه مبنی بر اینکه ایران ممکن است از افغان‌ها بخواهد که کشور را ترک کنند، انتقادات گسترده‌ای را از سوی اقصای مختلف جامعه ایران برانگیخت.

یلینک^۵ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست و ژئوپولیتیک بحران پناهندگان افغان» پناهندگان افغان را به رقابت ژئوپولیتیکی آمریکا و چین ارتباط داده و ایران را به‌عنوان میزبان اصلی (با بیش از ۳ میلیون افغان) مطرح می‌کند. مهاجرت افغان‌ها از ایران به ترکیه و اروپا، ایران را به نقطه عبور تبدیل کرده و می‌تواند به نفع رقبای منطقه‌ای ایران عمل کند و ثبات ژئوپولیتیکی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

کراولی^۶ (۲۰۲۲)، در پژوهش با عنوان: «میان سنگ و سختی: مهاجرت افغان‌ها از ایران به اروپا» این مقاله با استناد به مصاحبه‌هایی که در ترکیه و یونان در سه ماه آخر سال ۲۰۱۵ انجام شده است، تجربیات افغان‌هایی را که از ایران به اروپا سفر کرده‌اند، جایی که سال‌ها در آنجا زندگی کرده‌اند و در برخی موارد در آنجا متولد شده‌اند، بررسی می‌کند.

مودرزبوسکا-لشنیوسکا^۷ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «مهاجران افغان در ایران در دوران معاصر» به بحث مهاجرت افغان‌ها با ایران از زمان حمله شوروی به این کشور پرداخته است. نگارنده بیان می‌کند که وضعیت این مهاجرین با توجه به تغییرات موقعیت داخلی و بین‌المللی ایران در حال تغییر بود. بر اساس تحلیل مطالب موجود می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت افغان‌ها در ایران به شدت از وضعیت ایران و اراده مقامات ایرانی متأثر بوده است، در عین حال به دلیل شرایط بغرنج افغانستان، مهاجران افغان در وضعیت ناامیدکننده‌ای قرار می‌گیرند و محکوم به ماندن در ایران هستند.

بیره کریستنسن^۸ (۲۰۱۶) در مقاله‌ی خود با عنوان «سیاست‌های متزلزل ایران در قبال پناهندگان افغان در پی تحریم‌ها و جنگ منطقه‌ای» بیان می‌کند که از یک سو باید از ایران به خاطر «حمایت و خدمات دولتی‌اش به افغان‌ها» که در مقایسه با سایر کشورهای میزبان میلیون‌ها پناهنده هستند «بی‌سابقه» بوده است، تقدیر شود. به ویژه سیاست اخیر گسترش آموزش رایگان به کودکان افغان بدون مدرک، پیشرفت بزرگی است. از سوی دیگر صدها هزار نفر از افغان‌ها را اخراج کرده است.

در پاکستان و ترکیه، که بزرگ‌ترین میزبانان پناهندگان افغان هستند، تحلیلی مقایسه‌ای بر واکنش‌ها به جریان پناهندگان و راه‌حل‌های پایدار برای آوارگی طولانی‌مدت انجام شده که نشان‌دهنده سیاست‌های اولیه درهای باز و سپس محدودیت‌های ناشی از فشار اقتصادی و امنیتی است. در اردن و لبنان، پژوهش‌ها بر سیاست‌های میزبانی پناهندگان سوری تمرکز دارند و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برجسته می‌کنند، جایی که فشار بر منابع عمومی و تنش‌های اجتماعی شبیه به وضعیت ایران با افغان‌هاست (Altındağ et al, 2020: 12).

برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً یا سیاست‌های ایران را توصیفی بررسی کرده‌اند یا تنها به پیامدهای اقتصادی/اجتماعی

1. Hoseini
2. Jahan Dideh
3. Moghadam
4. Jadali
5. Yellinek
6. Crawley
7. Modrzejewska-Leśniewska
8. Bjerre Christensen

پرداخته‌اند، نوآوری اصلی این پژوهش در ایجاد پیوند نظام‌مند میان چارچوب حقوقی بین‌المللی پناهندگان (کنوانسیون ۱۹۵۱ و اصل منع بازگرداندن اجباری) و تحلیل راهبردی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید است؛ پیوندی که تاکنون در هیچ مطالعه‌ای به‌صورت یکپارچه و عملیاتی صورت نگرفته و برای نخستین بار حقوق بین‌الملل را به معیار اصلی ارزش‌گذاری راهبردهای ملی ایران تبدیل می‌کند.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. هدف اصلی، تحلیل استراتژیک سیاست‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با مهاجران و پناهجویان افغان طی دوره زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۴ شمسی با استفاده از مدل سوات است. نوآوری پژوهش در یکپارچه‌سازی مدل سوات با چارچوب حقوق بین‌الملل پناهندگان (کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، پروتکل ۱۹۶۷ و اصل عرفی آمره منع بازگرداندن اجباری) است که برای نخستین بار به‌صورت عملیاتی انجام شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها کاملاً اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و بر منابع ثانویه معتبر استوار است. جامعه مورد مطالعه شامل مجموعه سیاست‌ها، قوانین و تصمیمات مهاجرتی ایران در قبال اتباع افغان و جمعیت تخمینی بیش از چهار میلیون نفر مهاجر و پناهجو است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و غیراحتمالی انجام شده و تنها اسناد و منابعی انتخاب شدند که دارای اعتبار علمی، رسمی یا سازمانی بالا باشند. تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی و با استفاده از مدل سوات صورت گرفت. چهار رکن مدل (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) با معیارهای حقوقی بین‌الملل ارزش‌گذاری شد. فرآیند تحلیل شامل مقایسه تطبیقی با سیاست‌های کشورهای میزبان مشابه (ترکیه و پاکستان) بود. روایی پژوهش از طریق (منابع چندگانه، چندزبانه و چندنهادی) و پایایی آن از طریق ارجاع دقیق به منابع اصلی، ذکر شماره صفحه و قابلیت تکرار مراحل تحلیل تأمین شده است.

حقوق بین‌الملل پناهندگان به‌عنوان مبنای عملیاتی‌سازی سوات

مدیریت استراتژیک شامل تدوین و اجرای اهداف و ابتکاراتی است که مدیران عالی یک سازمان بر اساس در نظر گرفتن منابع و ارزیابی محیط داخلی و خارجی که سازمان در آن فعالیت می‌کند، انجام می‌دهند. مدیریت استراتژیک می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از نظریه‌ها و چارچوب‌ها با پشتیبانی ابزارها و تکنیک‌ها طراحی شود تا به مدیران سازمان‌ها در تفکر، برنامه‌ریزی و اقدام استراتژیک کمک کند. برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی است در جهت تجهیز منابع سازمان (اینجا منظور کشورها است) و وحدت بخشیدن به تلاش‌های آن برای نیل به اهداف و رسالت‌های بلندمدت، با توجه به امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی (کرمی و سلاورزی زاده، ۱۴۰۴: ۱۷۳). تجزیه و تحلیل «سوات» تکنیکی است که برای بررسی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های یک سازمان یا کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. سوات مخفف: نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها است. چارچوبی است که به شما کمک می‌کند با اطمینان فکر و برنامه‌ریزی کنید؛ به این صورت که اینکه هیچ «نقطه کوری» وجود نخواهد داشت که بعداً کشف شود (Omer, 2018: 28).

		تهدیدها (Threats)	فرصت‌ها (Opportunities)	محیط داخل
سوات کرمی	قوت‌ها (Strengths)	$S+T=ST$	$S+O=SO$	
	ضعف‌ها (weaknesses)	$W+T=WT$	$W+O=WO$	

شکل ۱.

(منبع: کرمی و سلاورزی زاده، ۱۴۰۲: ۱۷۰)

این پژوهش برای نخستین بار این چارچوب حقوقی را نه به عنوان یک «بخش جداگانه توصیفی»، بلکه به عنوان ستون فقرات و معیار ارزش گذاری چهار رکن مدل سوات تبدیل کرده است. در قالب این مدل مفهومی ابتدا به تشریح نقاط قوت و ضعف داخلی ایران در ارتباط با مهاجرین افغان پرداخته خواهد و در ادامه بعد از تاریخچه‌ای پدیدهای مهاجرت، حقوق بین‌المللی مهاجرت و آغاز مهاجرت افغان‌ها به ایران به تحلیل فرصت‌ها و تهدیدات حضور این مهمان‌های ناخوانده برای کشور میزبان یعنی ایران اقدام خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

حقوق بین‌المللی؛ پناهندگان و مهاجرین

چارچوب حقوق بین‌الملل مربوط به پناهندگان و مهاجران عمدتاً از طریق معاهدات و کنوانسیون‌های کلیدی که حقوق و حمایت‌های مربوط به آوارگان را تشریح می‌کنند، تعیین می‌شود. در این بخش از پژوهش به تحلیل و بررسی این معاهدات می‌پردازیم. دو زیرگروه اصلی مهاجران «پناهندگان» هستند که در جستجوی صلح و امنیت از مرزهای بین‌المللی عبور می‌کنند و «پناهجویان» که بدون وضعیت مشخص پناهندگی خود به دنبال حمایت بین‌المللی هستند (Patel et al, 2021:1469).

– کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان^۱: سنگ بنای حقوق بین‌المللی پناهندگان، کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان است که پناهنده را تعریف می‌کند و حمایت‌های قانونی، حقوق و تعهداتی را که کشورها نسبت به آنها دارند، شرح می‌دهد. به طور خاص، ماده (۲) کنوانسیون بیان می‌کند که «پناهنده» کسی است که خارج از کشور محل سکونت خود است و به دلیل ترس موجه از آزار و اذیت بر اساس نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی، قادر یا مایل به بازگشت نیست این کنوانسیون توسط ۱۴۵ کشور عضو تصویب شده است و یک استاندارد جهانی برای رفتار با پناهندگان ایجاد می‌کند. کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱)، که معمولاً با نام کنوانسیون ۱۹۵۱ شناخته می‌شود، سند بنیادی قانون بین‌المللی پناهندگان است که تعریف می‌کند چه کسی واجد شرایط پناهنده است و به آنها حمایت قانونی ارائه می‌دهد (Anh. And Nguyen, 2024: 2).

– پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به وضعیت پناهندگان^۲: برای رسیدگی به ماهیت در حال تحول بحران‌های پناهندگان، پروتکل ۱۹۶۷ تصویب شد که محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی که در ابتدا در کنوانسیون ۱۹۵۱ وضع شده بود را حذف کرد. این اصلاحیه به ویژه در زمینه جنبش‌های پناهندگان پس از استعمار قابل توجه بود و امکان تفسیر گسترده‌تری از اینکه چه کسی واجد شرایط پناهندگی است را فراهم کرد. این پروتکل همچنین در تضمین اینکه حمایت از پناهندگان برای همه افراد، صرف نظر از زمان یا مکانی که از کشورهای خود فرار کرده‌اند، قابل اجرا است، نقش مهمی داشته است (Robert Bosch Stiftung and Migration Policy Institute, 2021).

– کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد: فراتر از کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷، اسناد حقوق بشری مانند ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر (حق درخواست پناهندگی) و دو پیمان جهانی ۲۰۱۸ (پیمان پناهندگان و پیمان مهاجرت) بر ضرورت همکاری بین‌المللی و مسئولیت مشترک تأکید دارند (Owen & Scougall, 2025: 1). کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد با تدوین دستورالعمل‌های تفسیری، دامنه حمایت را به آزار جنسیتی و تغییرات اقلیمی گسترش داده است. این نهاد با بیش از ۲۰۳۰۰ کارمند در ۱۳۶ کشور (تا دسامبر ۲۰۲۳) وظیفه اصلی حمایت، کمک و یافتن راه‌حل‌های پایدار (بازگشت داوطلبانه، ادغام محلی یا اسکان مجدد در کشور سوم) برای پناهندگان، آوارگان اجباری و افراد بدون تابعیت را بر عهده دارد (Chiarenza et al, 2019: 2). این سازوکارها برای دولت‌ها در مواجهه با پیچیدگی‌های نوین مهاجرت اجباری حیاتی‌اند.

– چارچوب‌های بین‌المللی و سیاست‌های ملی: قوانین و سیاست‌های ملی در مورد پناهندگان و مهاجران نقش حیاتی در شکل‌دهی به حمایت و حقوق اعطا شده به آوارگان دارند. در حالی که چارچوب‌های قانونی بین‌المللی اصول کلی را تعیین می‌کنند، اجرای آنها در سطح ملی در کشورهای مختلف به طور قابل توجهی متفاوت است. در اینجا به چند اصلی کلی در ارتباط با مهاجرین

1. 1951 Convention Relating to the Status of Refugees

2. 1967 Protocol Relating to the Status of Refugees

و پناهندگان و سیاست‌های ملی کشورها اشاره خواهد شد.

۱. اصل عدم بازگرداندن اجباری: یکی از عناصر اساسی حمایت از پناهندگان، اصل عدم بازگرداندن اجباری است که دولت‌ها را از بازگرداندن افراد به کشوری که در آن زندگی یا آزادی آنها در معرض تهدید قرار می‌گیرد، منع می‌کند. این اصل برای همه مهاجران، صرف نظر از وضعیت مهاجرت آنها، قابل اجرا است و ریشه در تعهدات حقوق بین‌الملل دارد که دولت‌ها باید در مرزهای خود رعایت کنند. هنجار عدم بازگرداندن اجباری به گونه‌ای تکامل یافته است که تأکید می‌کند دولت‌ها مسئول اقدامات انجام شده در مرزهای خود هستند و مسئولیت آنها را در محافظت از افرادی که به دنبال پناهندگی هستند، تقویت می‌کند (Chapela et al, 2020: 5). اثبات عدم بازگرداندن اجباری به عنوان یک تعهد در کنوانسیون پناهندگان، به طور خودکار حکم می‌کند که هر کشور عضو کنوانسیون می‌تواند کشوری را که این تعهد را نقض می‌کند، به دیوان بین‌المللی دادگستری بکشاند؛ بنابراین این امر به کشورهای عضو کنوانسیون تعهد می‌دهد که هیچ پناهنده‌ای را که به دنبال پناهندگی است، رد نکنند. با این وضع قابلیت اجرای تعهدات عدم بازگرداندن اجباری افزایش می‌یابد و احتمال بیشتری برای حفاظت از حقوق پناهندگان تحت آزار و اذیت در چشم‌انداز اجتماعی-سیاسی پرآشوب جهانی فراهم می‌شود (Khatan & Krishan, 2022: 1).

۲. چارچوب‌های قانونگذاری داخلی: کشورها اغلب کنوانسیون‌های بین‌المللی را در قوانین داخلی خود برای تنظیم رفتار با پناهندگان لحاظ می‌کنند. به عنوان مثال اعلامیه کارتاها و کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا پارامترهایی را برای حمایت از پناهندگان تعیین می‌کنند و آن را به مفاهیم گسترده‌تر نظم عمومی و کرامت انسانی مرتبط می‌سازند. با این حال اثربخشی این چارچوب‌ها می‌تواند توسط قوانین ملی که موانع بیشتری را برای کسانی که به دنبال پناهندگی هستند، به ویژه در کشورهای صنعتی که ممکن است فاقد منابع لازم برای ارائه حمایت کافی باشند، اعمال می‌کنند، مختل شود (Elnakib and et al, 2024: 13). در بریتانیا، تغییرات قانونی اخیر، مانند قانون ملیت و مرزها ۲۰۲۲، اقدامات سختگیرانه‌تری را برای پناهجویان، از جمله کسانی که به دلایل مختلف آواره شده‌اند، اعمال کرده است که چالش‌های همسوسازی سیاست‌های ملی با اصول بشردوستانه را برجسته می‌کند. در مقابل درخواست‌هایی برای اصلاحاتی وجود دارد که مکانیسم‌های حمایتی را افزایش می‌دهد و در عین حال به مسائل معاصر مانند مهاجرت می‌پردازد (Moezzi and et al, 2024: 5).

کشورها اغلب کنوانسیون‌های بین‌المللی را در قوانین داخلی خود برای تنظیم رفتار با پناهندگان لحاظ می‌کنند. به عنوان مثال اعلامیه کارتاها و کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا پارامترهایی را برای حمایت از پناهندگان تعیین می‌کنند و آن را به مفاهیم گسترده‌تر نظم عمومی و کرامت انسانی مرتبط می‌سازند. با این حال اثربخشی این چارچوب‌ها می‌تواند توسط قوانین ملی که موانع بیشتری را برای کسانی که به دنبال پناهندگی هستند، به ویژه در کشورهای صنعتی که ممکن است فاقد منابع لازم برای ارائه حمایت کافی باشند، اعمال می‌کنند، مختل شود (Elnakib and et al, 2024: 13). در بریتانیا، تغییرات قانونی اخیر، مانند قانون ملیت و مرزها ۲۰۲۲، اقدامات سختگیرانه‌تری را برای پناهجویان، از جمله کسانی که به دلایل مختلف آواره شده‌اند، اعمال کرده است که چالش‌های همسوسازی سیاست‌های ملی با اصول بشردوستانه را برجسته می‌کند. در مقابل درخواست‌هایی برای اصلاحاتی وجود دارد که مکانیسم‌های حمایتی را افزایش می‌دهد و در عین حال به مسائل معاصر مانند مهاجرت می‌پردازد.

۳. سیاست‌های ادغام؛ تعهدات بین‌المللی و اختیار ملی: ادغام پناهندگان در سیستم‌های ملی یک جنبه حیاتی از سیاست‌های ملی است. با این حال دستور کار ادغام اغلب تحت تأثیر یک رویکرد از بالا به پایین است که در درجه اول توسط سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای با درآمد بالا شکل می‌گیرد. این امر منجر به شکاف‌هایی در اجرای استراتژی‌های مؤثر ادغام، به ویژه در مناطقی که میزان تعداد قابل توجهی از پناهندگان هستند، شده است (Hansen and Hathaway, 2015: 238).

در حالی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه چارچوبی برای حمایت از آوارگان در طول درگیری‌های مسلحانه فراهم می‌کند، دولت‌های ملی در مورد نحوه انجام این تعهدات اختیار خود را حفظ می‌کنند. اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات علیه بشریت را که ممکن است در زمینه‌های مربوط به پناهندگان قابل اجرا باشد، تشریح می‌کند، اما اجرای این اصول تا حد زیادی به سیستم‌های حقوقی ملی وابسته است. تعامل بین تعهدات بین‌المللی و سیاست‌های ملی، چشم‌انداز پیچیده‌ای را برای پناهندگان

ایجاد می‌کند و گفتگو و اصلاحات مداوم را برای اطمینان از رعایت حقوق و حمایت‌های ارائه شده تحت قوانین بین‌المللی در سطح ملی ضروری می‌سازد (McDonnell, 2023: 17).

۴. شکل‌گیری پدیده‌ی مهاجران افغان‌ها؛ دوره‌ها و دلایل

دوره اول: حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان. حمله شوروی حمله شوروی به افغانستان در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۶ دی ۱۳۵۸)، نقطه عطف مهمی در جنگ سرد بود که با هدف حمایت از دولت کمونیستی حزب دموکراتیک خلق در برابر شورش مجاهدین آغاز شد. این تهاجم که با محکومیت گسترده بین‌المللی مواجه شد، بیش از یک دهه جنگ فرسایشی (۱۹۷۹-۱۹۸۹) را به دنبال داشت و زیرساخت‌ها، اقتصاد و بافت اجتماعی افغانستان را ویران کرد. در نتیجه، بیش از ۶ میلیون پناهنده افغان عمدتاً به پاکستان و ایران گریختند و میلیون‌ها نفر دیگر آواره داخلی شدند. ایالات متحده از طریق «عملیات سایکلونبزرگ‌ترین عملیات مخفی سیا در تاریخ، میلیاردها دلار سلاح و کمک مالی به مجاهدین ارائه کرد که این امر جنگ را طولانی‌تر و خونین‌تر ساخت (Shvangiradze, 2023: 1).

خروج شوروی در ۱۹۸۹ و متعاقب آن جنگ داخلی، زمینه‌ساز ظهور طالبان در ۱۹۹۴-۱۹۹۶ شد. میراث این تهاجم همچنان در بی‌ثباتی مداوم، بحران شدید پناهندگان، نقض گسترده حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان و مشکلات پایدار ادغام پناهجویان دیده می‌شود (Schoch, 2008: 7).

دوره دوم: خروج شوروی و جنگ داخلی در افغانستان و روی کار آمدن طالبان. پس از خروج شوروی در ۱۹۸۹، نزدیک به ۴ میلیون افغان به کشور بازگشتند، اما سقوط دولت نجیب‌الله در ۱۹۹۲ جنگ داخلی ویرانگری را میان گروه‌های مجاهدین آغاز کرد (Dashti, 2022: 306). در سال ۱۹۹۴ طالبان در قندهار پدیدار شدند و با وعده امنیت، تا ۱۹۹۶ کابل و بیشتر کشور را گرفتند. آن‌ها موسیقی و تلویزیون را ممنوع کردند، دختران را از مدرسه و زنان را از کار (به‌جز کادر درمان) محروم ساختند و اقلیت هزاره را به شدت سرکوب کردند (Ruiz, 2004: 1). تحریم‌های سازمان ملل و خشکسالی وحشتناک ۱۹۹۸-۲۰۰۱ گرسنگی گسترده آورد؛ تا سال ۲۰۰۰ بیش از یک میلیون نفر در داخل کشور آواره شدند و موج جدیدی از پناهجویان به پاکستان و ایران سرازیر شد (Ministry of disaster management, 2021). این دوره موج دوم مهاجرت دسته‌جمعی و یکی از دردناک‌ترین فصل‌های زندگی مردم افغانستان را رقم زد (Mujda, 2003: 19).

دوره سوم: یازده سپتامبر و حمله ایالات متحده به افغانستان. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، مداخله آمریکا در ۲۰۰۱ رژیم پنج‌ساله طالبان را سرنگون کرد. در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۸، بیش از ۴/۳ میلیون افغان - بزرگ‌ترین بازگشت تاریخ - از پاکستان و ایران به خانه بازگشتند، اما بسیاری با امید به زندگی بهتر روبه‌رو شدند (Verduijn, 2020: 1). از ۲۰۰۵ طالبان دوباره سر برآوردند؛ فساد گسترده، میلیاردها دلار کمک گم‌شده، بیکاری و فقر شدید مردم را ناامید کرد. در ۲۰۱۴، با خروج ناتو و تشدید حملات، موج تازه‌ای از فرار آغاز شد. خانواده‌ها دوباره چمدان بستند؛ افغانستان در ۲۰۱۱ پس از سوریه دومین منبع بزرگ پناهجویان جهان شد خانه‌ای که با شوق بازگشته بودند، دوباره برای میلیون‌ها نفر غیرقابل تحمل شد (Sajjadi, 2018).

دوره چهارم: خروج ایالات متحده از افغانستان در سال ۲۰۲۱ و حکومت مجدد طالبان. در دوره دوم طالبان، دولت کابل حدود سه هفته پس از اعلام خروج کامل ایالات متحده از افغانستان در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۱، سقوط کرد و به دست طالبان افتاد. بدین ترتیب طالبان پس از بیست سال برای دومین بار در تاریخ خود، قدرت را در افغانستان به دست گرفتند. با تصرف افغانستان توسط طالبان، بحران مهاجرت افغانستان بار دیگر شدت گرفت و صدها و هزاران افغان به دلایل امنیتی، اقتصادی و سیاسی راه مهاجرت را در پیش گرفتند. پیشرفت سریع طالبان و افزایش خشونت در کشور، بحران مهاجرت جمعی دیگری را در بین مردم افغانستان ایجاد کرد و منجر به آغاز حرکت مهاجرتی دیگری به سمت کشورهای همسایه افغانستان مانند ایران شد (UNHCR, 2021).

۵. ایران و مهاجران افغان؛ سیاست‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات: افغانستان در طول حدود نیم قرن گذشته با جابه‌جایی قابل توجه جمعیت، عمدتاً ناشی از درگیری و بی‌ثباتی اقتصادی، شناخته می‌شود. حمله شوروی در سال ۱۹۷۹ نقطه عطفی بود که منجر به مهاجرت گسترده افغان‌ها، به ویژه به سمت کشورهای همسایه مانند ایران شد. در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، تقریباً سه میلیون افغان در ایران ساکن شدند و به دنبال فرصت‌های اقتصادی بهتر و رهایی از خشونت‌های مداوم بودند. پس از به قدرت

رسیدن مجدد طالبان، روزانه بیش از ۱۰ هزار مهاجر قانونی و غیرقانونی افغان وارد ایران می‌شدند. در حالی که ارقام ۱۰ تا ۱۵ میلیون مهاجر افغان منتشر شده در برخی از شبکه‌های اجتماعی ایران اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، جمعیت مهاجران افغان در ایران زیاد است و به طور بالقوه یک دهم جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. افزایش نرخ زاد و ولد در خانواده‌های افغان و روند کاهشی در میان ایرانیان، نگرانی‌هایی را در میان سیاست‌گذاران ایرانی در مورد ترکیب جمعیتی کشور در درازمدت ایجاد کرده است. استان‌های تهران، خراسان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد و فارس در شرق و مرکز ایران میزبان بزرگترین جمعیت مهاجران افغان هستند (Jalali, 2024: 7).

سیاست‌ها

سیاست‌گذاری مهاجرتی ایران در قبال افغان‌ها فاقد برنامه بلندمدت بوده و همواره تابعی از شرایط و اولویت‌های لحظه‌ای تصمیم‌گیران است. منافع ملی و ثبات اجتماعی همواره محور اصلی بوده‌اند. مهاجرت افغان‌ها به ایران از دهه ۱۸۵۰ (هزاره‌ها در تربت جام) آغاز شد و پس از رضاشاه با طبقه‌بندی «خاوری» تثبیت گردید. پس از انقلاب ۱۳۵۷، سیاست‌ها با تحولات داخلی و خارجی نوسان کرده و هیچ‌گاه از چارچوب واکنشی خارج نشده است (Bareach, 2021: 12). در ادامه سیاست‌های هر دوره ریاست‌جمهوری به‌طور جداگانه بررسی می‌شود.

سیاست دره‌های باز ۱۹۷۹-۱۹۹۳: سیاست اولیه جمهوری اسلامی ایران در قبال پناهندگان افغان (۱۳۵۸-۱۳۷۱) «دره‌های باز» بود. از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲ به اکثر ورودکنندگان «کارت آبی» اعطا شد که اقامت نامحدود قانونی و دسترسی به بهداشت یارانه‌ای، آموزش رایگان و کالاهای اساسی را تضمین می‌کرد (Rajai, 2009: 47). برخلاف پاکستان که بیش از ۹۰ درصد پناهجویان را در اردوگاه متمرکز کرد، ایران کمتر از ۳ درصد را اردوگاهی اسکان داد و اکثریت در شهرها و کنار ایرانیان زندگی کردند؛ کودکان افغان تا امروز در مدارس دولتی رایگان تحصیل می‌کنند. پس از انقلاب ایران و حمله شوروی به افغانستان در ۱۳۵۸، میلیون‌ها نفر وارد شدند. پایان جنگ ایران-عراق و آغاز جنگ داخلی افغانستان (۱۳۶۸ به بعد) موج جدیدی ایجاد کرد و افغان‌ها نقش مهمی در بازسازی ایران ایفا کردند.

دوره ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی: در دوره هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، با پایان جنگ ایران-عراق، افغان‌ها نیروی کار ارزان و کلیدی در بازسازی کشور شدند. اما از اوایل دهه ۱۹۹۰ سیاست‌ها به سمت محدودیت تغییر کرد: صدور مدارک اقامت نامحدود متوقف شد، کارت‌های موقت محدود صادر گردید و ورود غیرقانونی از ۱۹۹۲ ممنوع اعلام شد (Bavili, 2023: 4828). دسترسی به آموزش رایگان فقط به شهر محل صدور مدرک محدود شد و محدودیت‌های شغلی اعمال گردید. دولت شروع به شناسایی و اخراج افراد بدون مدرک کرد. هزینه روزانه حمایت از حدود دو میلیون افغان در ۱۹۹۴ به ۱۰ میلیون دلار رسید، در حالی که کمک‌های بین‌المللی ناچیز بود؛ از ۱۹۸۵ کمیساریای عالی پناهندگان فقط به اردوگاه‌ها کمک می‌کرد و ۹۵ درصد افغان‌های ساکن شهرها و روستاها از هرگونه مساعدت محروم بودند (Herve, 2018). این وضعیت، ایران را وادار به بازنگری سیاست‌های سخت‌آمیز کرد و بار اصلی میزبانی همچنان بر دوش دولت باقی ماند.

دوره خاتمی: در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی بحث‌های داغی در مورد اینکه آیا افغان‌ها باید به کشور خودشان اخراج شوند یا خیر، وجود داشت. مشکل بیکاری در این دوره‌ها افزایش یافت و افغان‌ها به عنوان دلیل کمبود اشتغال نشان داده شدند. در مجلس بحث‌هایی در مورد اخراج افغان‌ها به خانه‌هایشان وجود داشت. در نتیجه نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی داخلی، سیاست پناهندگان به سمت تأکید بر جلوگیری از ورود غیرقانونی و بازگرداندن پناهندگان افغان تغییر جهت داد. ایران تلاش‌های مکرری (اغلب با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد) برای ثبت و ثبت‌نام افغان‌ها در ایران در راستای آماده‌سازی برای بازگشت به کشور انجام داده است؛ چندین کمپین اخراج را اجرا کرده است؛ خدمات به افغان‌ها (به‌ویژه آموزش و پزشکی) را به تدریج کاهش داده است؛ و محدودیت‌های استخدامی را وضع کرده است. با این حال این سیاست‌ها تأثیر قابل توجهی بر تعداد افغان‌ها در ایران که در سال ۲۰۰۱ در ۲.۱ میلیون نفر باقی مانده بود، نداشت (Sadeghi, 2005: 17).

دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد: سیاست‌های توزیعی احمدی‌نژاد در این دوره ادامه یافت. اولویت احمدی‌نژاد بهبود عدالت

در جامعه ایران بود. با روی کار آمدن احمدی نژاد یارانه‌های غیرمستقیم به یارانه‌های مستقیم تبدیل شد. شهروندان ایرانی مقدار مشخصی از پول بنزین را به عنوان یارانه مستقیم دریافت می‌کردند؛ اما افغان‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند، به این یارانه‌های مستقیم که برای ایرانیان فراهم شده بود، دسترسی نداشتند. پیمان امضا شده بین ایران و افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲، در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ مورد بازنگری قرار گرفت و بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، حدود یک و نیم میلیون مهاجر ایران را ترک کردند. «راهبرد راه‌حل‌ها برای پناهندگان افغان برای حمایت از بازگشت داوطلبانه، ادغام مجدد پایدار و کمک به کشورهای میزبان» همچنان چارچوب اصلی منطقه‌ای برای مداخلات مشترک با هدف شناسایی و اجرای راه‌حل‌های پایدار و ارائه پشتیبانی به کشورهای میزبان بود (Bavili, 2023: 4830).

دوران ریاست جمهوری روحانی: در دوران ریاست جمهوری روحانی، ایران یک استراتژی عملگراییانه برای حمایت از افغانستان دموکراتیک و چند قومیتی داشت. ایران مشارکت خود در افغانستان را به عنوان «فرصتی برای افزایش نقش منطقه‌ای خود در راستای ارتقای منافع ملی در سطوح و حوزه‌های مختلف» درک می‌کرد. ایران تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار داشت. (گرامئو هوگو، محمد جلال عباسی-شوازی، رسول صادقی، ۲۰۱۲). همچنین باید اعلام کرد که تحریم‌ها تنش‌های اجتماعی و برداشت منفی از افغان‌ها را در بین ایرانیان تشدید کرد، به طوری که آنها را یک خطر امنیتی می‌دانستند. با افزایش فشار تحریم‌ها بر ایران توسط سیاست‌های فشار حداکثری دولت ایالات متحده، سیاست‌گذاران ایرانی به فشار داخلی برای کاهش مزایای دولتی به افغان‌ها افزودند. در بیانیه‌ای در ژوئیه ۲۰۱۴، دولت روحانی اعلام کرد که همه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی فقط باید کارگران ایرانی را استخدام کنند. در دوران ریاست جمهوری روحانی، اخراج افغان‌ها از ایران افزایش یافته بود (Herve, 2018).

دوران ریاست جمهوری شهید رئیسی: در دوران ریاست جمهوری رئیسی، ارائه خدمات اولیه به پناهنجویان افغان در دستور کار دولت بود، هرچند که ایرانیان خود تحت تحریم بودند و از نظر خدمات لازم و اولیه را در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ و دوران پس از همه‌گیری که بحران اقتصادی در مضیقه شدید بودند. دوران ریاست جمهوری شهید ابراهیم رئیسی (۱۴۰۰-۲۰۲۱ / ۲۰۲۴-۲۰۲۱ میلادی) پرتنش‌ترین دوره در سیاست مهاجرتی ایران نسبت به افغان‌ها بود و بیشترین حجم ورود مهاجران را شاهد بود. این دوره با سقوط کابل و بازگشت طالبان به قدرت در اوت ۲۰۲۱ همزمان شد که موج عظیم مهاجرت ایجاد کرد. بر اساس آمار بیش از ۱ میلیون افغان جدید پس از ۲۰۲۱ وارد ایران شدند و جمعیت کلی به حدود ۵-۶ میلیون نفر رسید. ولت رئیسی ابتدا رویکرد ساماندهی نشان داد: سرشماری گسترده انجام شد و به حدود ۲/۶ میلیون نفر مدارک موقت داده شد تا وضعیت قانونی پیدا کنند. ارائه خدمات پایه (آموزش، بهداشت) به مهاجران قانونی ادامه یافت، هرچند تحت فشار تحریم‌ها و بحران اقتصادی (Bavili, 2023: 4831).

دوره پزشکیان: مسعود پزشکیان در دوران خود نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و نحوه برخورد با مهاجران افغان در ایران داشت. رویکرد او به مسائل مهاجرت و پناهندگان با چشم‌انداز اجتماعی-سیاسی ایران که به دلیل درگیری‌های جاری در افغانستان شاهد هجوم قابل توجهی از اتباع افغان بود، ارتباط نزدیکی داشت. در این دوره سیاست‌های مهاجرتی ایران بین دوره‌های اعطای مجوزهای موقت کار و اجرای اخراج‌های دسته‌جمعی در نوسان است (Mashwani, 2025). مسعود پزشکیان در ایام تبلیغات انتخاباتی سه راهبرد را برای سازماندهی مهاجرین افغان در ایران اعلام نمودند:

۱. انسداد کامل مرزها و جلوگیری از مهاجرت بیشتر که مسئولیت محوری با وزارت کشور خواهد بود
۲. ساماندهی مهاجرین موجود. نباید انکار کرد که تعداد زیادی از برادران افغان نقش مؤثری در اقتصاد ایران دارند یا در جنگ تحمیلی و... فداکاری کرده‌اند؛ ولی حضور آنها در ایران باید ساماندهی شده و با انضباط باشد.
۳. مذاکره با کشورهای اروپایی برای پذیرش بخشی از مهاجرین (و یا حداقل تقبل هزینه‌های حضور آنها در ایران). غرب باید مسئولیت آنچه در افغانستان انجام داده و منجر به مهاجرت میلیون‌ها افغانستانی شده است را بپذیرد. دلیلی ندارد که مردم ایران هزینه سیاست‌های غلط دیگران را بپردازند (Fararu Website, June 13, 2024).

بحث

کاربست تحلیل سوات در ارتباط با پدیده مهاجران افغان در ایران: رویکردی یکپارچه با محوریت حقوق بین‌الملل پناهندگان تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در این پژوهش نه به‌عنوان ابزاری صرفاً مدیریتی، بلکه به‌مثابه چارچوبی راهبردی برای سنجش انطباق سیاست‌های ملی ایران با تعهدات حقوق بین‌الملل پناهندگان (کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، پروتکل ۱۹۶۷ و اصل عرفی منع بازگرداندن اجباری) به‌کار گرفته شده است. این کاربست، برای نخستین بار، حقوق بین‌الملل را از حاشیه به مرکز تحلیل استراتژیک منتقل کرده و چهار رکن آن را بر پایه معیارهای حقوقی عینی ارزش‌گذاری نموده است (Cu et al, 2023: 3).

نقاط قوت^۱ داخلی: مهم‌ترین نقطه قوت ایران، پایداری عملی طولانی‌مدت به اصل منع بازگرداندن اجباری است. با وجود عدم عضویت رسمی در کنوانسیون ۱۹۵۱، جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه و نیم، به‌جز موارد استثنایی و امنیتی، از بازگرداندن اجباری پناهجویان افغان به مناطقی که جان یا آزادی آنان در خطر بوده خودداری کرده است. این رفتار، فراتر از تعهدات قانونی رسمی، به یک تعهد عرفی تبدیل شده و جایگاه ایران را در مقایسه با ترکیه و پاکستان در سطح بالاتری از اعتبار حقوق بشری قرار می‌دهد (Siavoshi, 2024: 212). این نقطه قوت، سرمایه‌ای راهبردی برای مذاکره با جامعه جهانی و جذب کمک‌های مالی و فنی است (Nasrollahi, 2017: 5).

نقاط ضعف^۲ داخلی: عدم عضویت ایران در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷، اساسی‌ترین نقطه ضعف ساختاری محسوب می‌شود. این وضعیت حقوقی موجب محرومیت ایران از مکانیسم‌های همکاری رسمی با کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد و صندوق‌های جهانی پناهندگان شده و بار مالی میزبانی از طولانی‌ترین بحران پناهندگی تاریخ معاصر (از ۱۳۵۸ تا کنون) را تقریباً به‌طور کامل بر دوش دولت و ملت ایران انداخته است (Bavili, 2023: 4829). این نابرابری ساختاری، سیاست‌گذاری داخلی را به سمت رویکردهای واکنشی و تنش‌زا سوق داده است (Hosseini & Jahan Dideh, 2022: 20).

فرصت‌های^۳ بیرونی: پیمان جهانی پناهندگان (۲۰۱۸) و اصل مسئولیت مشترک، فرصتی بی‌سابقه برای ایران فراهم آورده است. ایران می‌تواند با حفظ رزرو جغرافیایی خود (مانند الگوی ترکیه)، به‌صورت مشروط به همکاری رسمی با کمیساری عالی پناهندگان وارد شود و از صندوق‌های جدید جهانی بهره‌مند گردد. مذاکرات جاری (۱۴۰۲-۱۴۰۴) میان تهران و ژنو نشان‌دهنده امکان‌پذیری این راهبرد است. جذب سالانه ۵۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار کمک بین‌المللی، کاهش فشار بر بودجه عمومی، قانونی‌سازی نیروی کار افغان و تبدیل آن به منبع مولد اقتصادی، و در نهایت کاهش تنش‌های اجتماعی، از مهم‌ترین دستاوردهای این فرصت راهبردی خواهد بود (Moradian, 2025: 10). مهاجران افغان با اشتراک زبان دری-فارسی و مذهب شیعه، فرصت بی‌نظیری برای تبادلات فرهنگی در حوزه‌های هنر، غذا، موسیقی و سنت‌ها فراهم می‌کنند. این نزدیکی فرهنگی می‌تواند موزاییک فرهنگی ایران را غنی‌تر سازد و حس همبستگی منطقه‌ای را تقویت کند (Jalali, 2024). همچنین حضور نسل دوم و سوم افغان‌ها که در ایران متولد و بزرگ شده‌اند، فرصتی برای ادغام فرهنگی عمیق‌تر فراهم می‌کند. این نسل اغلب هویت دوگانه‌ای دارد که می‌تواند پل ارتباطی بین دو جامعه باشد (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۸).

تهدیدهای^۴ بیرونی: ادامه اخراج‌های دسته‌جمعی بدون رسیدگی انفرادی به وضعیت هر فرد، نقض آشکار اصل منع بازگرداندن اجباری را در پی دارد که در حقوق بین‌الملل به‌عنوان قاعده‌ای آمره و دارای آثار تعهد همگانی شناخته می‌شود. اخراج بیش از ۱/۲ میلیون نفر در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ بدون بررسی فردی وضعیت پناهندگی، زمینه حقوقی شکایت هر کشور عضو کنوانسیون به دیوان بین‌المللی دادگستری را فراهم می‌کند (Nasr Esfahani, 2024: 7). حضور گسترده و بعضاً کنترل‌نشده مهاجران افغان می‌تواند از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پیامدهایی قابل توجه داشته باشد. در چارچوب نظری «امنیت‌سازی» قاسمی نشان داده شده که نهادهای رسمی ایران با توجه به فشارهای ژئوپلیتیکی، تحریم‌ها و شرایط ناپایدار مرزهای شرقی، مهاجرت افغان‌ها را بالقوه مرتبط با خطراتی چون تضعیف کنترل حاکمیتی، افزایش آسیب‌پذیری امنیت داخلی و امکان سوءاستفاده بازیگران

1. Strengths
2. Weaknesses
3. Opportunities
4. Threats

خارجی ارزیابی کرده‌اند و از این منظر، سیاست‌های کنترلی و محدودکننده را به‌عنوان ابزار حفظ ثبات توجیه می‌کنند (Qasemy, 1992-983: 2025). از سوی دیگر تمرکز بالای مهاجران در برخی شهرها می‌تواند از دید سیاست‌گذاران با افزایش جرایم خرد، فشار بر خدمات شهری و بروز تنش‌های اجتماعی همراه شود؛ مسائلی که در گفتمان رسمی به‌عنوان تهدیدات امنیتی نرم و اجتماعی تلقی می‌شوند (Zandi-Navgran et al., 2023: 45). همچنین در شرایط بی‌ثباتی افغانستان، مهاجرت گسترده می‌تواند ریسک سرریز نامنی، قاچاق و فعالیت‌های غیرقانونی فرامرزی را افزایش دهد و دولت میزبان را ناگزیر از رویکردهای سخت‌گیرانه‌تر امنیتی سازد (Safdar et al., 2023: 214-218). در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهند که از منظر منافع جمهوری اسلامی ایران، مدیریت سخت و امنیت‌محور مهاجرت به‌عنوان راهبردی برای حفظ نظم عمومی، انسجام اجتماعی و ثبات داخلی درک و توجیه شده است.

راهبردهای پیشنهادی بر اساس مدل سوات: برای ارائه راهبردهای عملیاتی بر اساس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات حضور مهاجران افغان در ایران، از مدل سوات استفاده می‌کنیم. این راهبردها با هدف بهره‌برداری حداکثری از نقاط قوت، رفع نقاط ضعف، استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات طراحی شده‌اند.

در حوزه راهبردهای اس او، تمرکز بر بهره‌برداری از نقاط قوت ذاتی مهاجران افغان مانند نیروی کار ارزان، فراوان و سخت‌کوش در بخش‌های کلیدی اقتصادی و فرهنگی قرار دارد. ایران می‌تواند با ایجاد برنامه‌های رسمی ثبت و جذب مهاجران در بازار کار، به‌ویژه در کشاورزی، ساخت‌وساز و خدمات، از این ظرفیت برای پاسخ به نیاز شدید نیروی کار در این بخش‌ها استفاده کند. ارائه آموزش‌های مهارتی کوتاه‌مدت و فنی به مهاجران، بهره‌وری آنها را افزایش می‌دهد، هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد و به رشد اقتصادی کمک می‌کند. همزمان، با توجه به اشتراکات عمیق فرهنگی و زبانی میان دو کشور، تقویت پیوندهای فرهنگی و اجتماعی از طریق برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌های مشترک صنایع دستی و برنامه‌های تبادل فرهنگی می‌تواند تنوع اجتماعی ایران را غنی‌تر سازد، درک متقابل را افزایش دهد و تعصبات موجود را به تدریج کاهش دهد و مهاجران را به عامل مثبت فرهنگی و دیپلماسی نرم منطقه‌ای تبدیل کند.

در راهبردهای دبیلو او، هدف رفع نقاط ضعف ناشی از حضور گسترده مهاجران با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود است. فشار بر منابع طبیعی، زیرساخت‌های شهری و خدمات عمومی یکی از چالش‌های اصلی است که می‌توان با توزیع متوازن مهاجران در سراسر کشور، به‌ویژه در استان‌های کم‌جمعیت و مناطق روستایی، آن را مدیریت کرد.

راهبردهای اس تی بر استفاده از نقاط قوت ایران برای مقابله با تهدیدات تمرکز دارند. با توجه به ظرفیت بالای نیروی انسانی و فناوری‌های امنیتی موجود، تقویت نظارت مرزی از طریق نصب دوربین‌های هوشمند، سیستم‌های پایش آنلاین و همکاری‌های اطلاعاتی با کشورهای همسایه و سازمان‌های بین‌المللی، می‌تواند ورود غیرقانونی، قاچاق انسان و تهدیدات امنیتی مرتبط را به طور قابل توجهی کاهش دهد. در بعد اقتصادی نیز، ظرفیت نیروی کار مهاجران افغان می‌تواند با حمایت از کارآفرینی آنها در حوزه‌های صنایع دستی، کشاورزی کوچک‌مقیاس و خدمات محلی، به کاهش فشار بر بازار کار ایرانیان کمک کند. ایجاد تعاونی‌های مشترک ایرانی-افغان و ارائه تسهیلات اعتباری هدفمند، اشتغال‌زایی دوجانبه ایجاد می‌کند و رقابت منفی را به همکاری مثبت تبدیل می‌نماید.

در نهایت، راهبردهای دبیلو تی، به کاهش همزمان نقاط ضعف و تهدیدات می‌پردازند. برای کاهش تنش‌های اجتماعی، فرهنگی و نژادی میان مهاجران و جامعه میزبان، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی اجباری در مدارس و مراکز عمومی، همراه با ایجاد فضاهای گفت‌وگویی فرهنگی مداوم در مساجد، محله‌ها و مراکز اجتماعی، پیش‌دآوری‌ها را کاهش می‌دهد و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند.

این راهبردها به صورت یکپارچه و تشریحی، مدیریت پایدار جریان مهاجرت افغان را ممکن می‌سازند و می‌توانند فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی را به حداکثر برسانند در حالی که تهدیدات امنیتی، اجتماعی و اقتصادی را به حداقل می‌رسانند.

جدول ۱. کاربرد حقوق بین‌الملل در تحلیل سوات ایران در قبال مهاجران افغان

رکن تحلیل	معیار حقوقی بین‌المللی (کنوانسیون ۱۹۵۱ + پروتکل ۱۹۶۷ + اصل منع بازگرداندن اجباری)	وضعیت واقعی ایران	پیامد راهبردی برای ایران
نقاط قوت	پابندی عرفی به منع بازگرداندن اجباری حتی بدون عضویت رسمی در کنوانسیون	طی ۴۵ سال، کمتر از ۲ درصد اخراج‌ها نقض آشکار این اصل بوده است (کمیساریای عالی پناهندگان، ۱۴۰۳)	اعتبار حقوق بشری بالا → برگ برنده در مذاکره با جامعه جهانی برای دریافت کمک مالی سالانه چند صد میلیون دلاری
نقاط ضعف	عدم عضویت در کنوانسیون ۱۹۵۱ → محرومیت از کمک‌های مالی جهانی و همکاری رسمی	ایران سالانه بیش از ۸ میلیارد دلار هزینه می‌دهد اما کمتر از ۲ درصد آن از کمک جهانی است (وزارت امور خارجه، ۱۴۰۳)	بار سنگین مالی و نارضایتی داخلی → سیاست‌های واکنشی و تنش‌زا
فرصت‌ها	امکان پیوستن مشروط به کنوانسیون (مانند ترکیه) + پیمان جهانی پناهندگان ۲۰۱۸ و اصل مسئولیت مشترک	مذاکرات جاری ایران و کمیساریای عالی پناهندگان برای «برنامه جامع راه‌حل‌های پایدار» ۱۴۰۲-۱۴۰۳	جذب سالانه ۵۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار کمک → کاهش فشار بودجه → ساماندهی نیروی کار
تهدیدها	اخراج دسته‌جمعی بدون رسیدگی فردی → نقض اصل منع بازگرداندن اجباری → امکان شکایت به دیوان بین‌المللی دادگستری	اخراج بیش از ۱/۲ میلیون نفر در سال‌های ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بدون رسیدگی انفرادی	آسیب جدی به جایگاه جهانی ایران در زمانی که به دیپلماسی منطقه‌ای و کاهش تحریم نیاز دارد

(منبع: نگارندگان).

نتیجه‌گیری

با توجه به مدل سوات و تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات مرتبط با حضور مهاجران افغان در ایران، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حضور گسترده مهاجران افغان در ایران به عنوان یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین پدیده‌های مهاجرت جهانی، فرصت‌ها و چالش‌های خاص خود را به همراه دارد. ایران به مدت چهل و پنج سال توانسته است بدون فروپاشی اجتماعی، میلیون‌ها مهاجر افغان را در خود جای دهد و با وجود فشارهای فراوان، به اصول انسانی نظیر منع بازگرداندن اجباری پناهندگان پایبند بوده است. این ویژگی‌ها به‌عنوان نقاط قوت قابل توجه کشور در مدیریت این بحران تلقی می‌شود. با این حال، ایران به دلیل عدم عضویت رسمی در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و نبود نظام قانونی و منظم برای ساماندهی وضعیت مهاجران، از کمک‌های بین‌المللی محروم مانده و در نتیجه بار مالی و اجتماعی زیادی را به تنهایی تحمل می‌کند. این نقاط ضعف به فرسایش تدریجی سرمایه انسانی موجود و نارضایتی عمومی منجر شده است. در عین حال، ایران با فرصت‌های جهانی جدیدی مواجه است که می‌تواند به‌طور قابل توجهی به مدیریت وضعیت مهاجران افغان کمک کند. پیوستن مشروط به پیمان‌های بین‌المللی پناهندگی، جذب کمک‌های مالی از نهادهای جهانی و تبدیل نیروی کار مهاجران به یک منبع رسمی و مولد در اقتصاد ایران، از جمله این فرصت‌ها هستند. این اقدامات می‌تواند به کاهش فشار بر منابع عمومی و اجتماعی کمک کرده و نیروی کار افغان‌ها را به یک مزیت اقتصادی برای کشور تبدیل کند. اما تهدیدات جدی نیز ایران را تهدید می‌کنند. اخراج‌های دسته‌جمعی مهاجران افغان بدون رسیدگی‌های فردی نه تنها به تشدید تنش‌های داخلی و ایجاد بحران‌های اجتماعی می‌انجامد، بلکه می‌تواند جایگاه بین‌المللی ایران را تحت الشعاع قرار دهد و در شرایط حساس دیپلماتیک آسیب‌های بیشتری به کشور وارد کند. به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، فقدان ساماندهی مناسب و عدم اتخاذ سیاست‌های جامع می‌تواند به بروز مشکلات جدی در تعاملات فرهنگی و اجتماعی منجر شود. با توجه به این یافته‌ها بهترین راهبرد برای ایران، بهره‌گیری از تجربیات انسانی موجود در زمینه پذیرش مهاجران، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و پیوستن به رژیم‌های پناهندگی جهانی است. به‌ویژه، با ساماندهی وضعیت مهاجران و هدایت آن‌ها به سمت مشارکت سازنده در جامعه و اقتصاد ایران، می‌توان این چالش بزرگ را به فرصتی برای توسعه پایدار و تقویت ثبات منطقه‌ای تبدیل کرد.

قدردانی

از تمام عزیزانی که ما را در نگارش این مقاله یاری دادند و همچنین از عوامل فصلنامه و داوران محترم کمال قدردانی و تشکر را داریم.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

منابع

زندى ناوگران، لایلا و دیگران . (۱۴۰۱). درک مهاجران از فاصله اجتماعی با ایرانیان: پژوهش کیفی در بین مهاجران افغانستانی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۱(۴)، ۱-۲۶.

عباسی شوازی، محمدجلال، صادقی، رسول و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۵). «ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن»، فصلنامه مطالعات جمعیتی، ۳(۱)، ۱۵۰-۱۱۹.

کرمی، جهانگیر و سلورزی زاده، صالح. (۱۴۰۲). تحلیل «راهبردی - پیش‌تدبیرانه» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکمنستان. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۳(۲)، ۱۷۱-۲۰۲.

محسنی، رقیه، بذرافکن، لیل، شکرپور، نسرین (۲۰۲۴). شناسایی مؤلفه‌های کیفیت زندگی سلامت در اردوگاه پناهندگان افغان در استان فارس: یک مطالعه کیفی. مجله علوم سلامت ایران، ۱۲ (۳): ۱۸۵-۱۹۴.

- Altındağ, O., Bakış, O., & Rozo, S. (2020). Blessing or burden? Impacts of refugees on businesses and the informal economy. *Journal of Development Economics*, 146(12), 10-20.
- Anh, Q. H. (2024). Are 'climate refugees' compatible with the 1951 Refugee Convention?. <https://www.e-ir.info/2024/08/13/are-climate-refugees-compatible-with-the-1951-refugee-convention/>.
- Bareach, K. U. (2021). Iran Afghanistan relationship in historical perspectives [Unpublished doctoral dissertation]. University of Balouchestan, Balouchestan.
- Bavili, N. (2023). Analyzing Iran's policies towards Afghan asylum seekers through the lenses of public choice theory. *International Journal of Social Science and Human Research*, 6(8), 4826-4832.
- Bjerre Christensen, J. (2016). Guests or trash: Iran's precarious policies towards the Afghan refugees in the wake of sanctions and regional war. (11 ed.) Danish Institute for International Studies. DIIS Report1, 12(2), 23-38.
- Bojorquez-Chapela, I., Flórez-García, V., Calderón-Villarreal, A., & Fernández-Niño, J. A. (2020). Health policies for international migrants: A comparison between Mexico and Colombia. *Health Policy OPEN*, 1, Article 100003, 12(7), 123-145.
- Chiarenza, A., Dauvrin, M., Chiesa, V., Baatout, S., & Verrept, H. (2019). Supporting access to healthcare for refugees and migrants in European countries under particular migratory pressure. *BMC Health Services Research*, 19(513), 23-35.
- Crawley, H., & Kaytaz, E. S. (2022). Between a Rock and a Hard Place: Afghan Migration to Europe From Iran. *Social Inclusion*, 10(3), 4-14.
- Elnakib, S., Jackson, C., Lalani, U., Nour, S., & Spiegel:(2024). How integration of refugees into national health systems became a global priority: A qualitative policy analysis. *Conflict and Health*, 31(12), 12-30.
- Esses, V. M. (2017). Migration. *The SAGE Encyclopedia of Political Behavior*, 295), 380-388.
- Fararu News Website. (June 13, 2024). Pezeshkian's key decision regarding Afghan migrants in Iran. Available at: <https://fararu.com/fa/news>. [in Persian].
- Habibi, D. H. (2025, March 11). Between inclusion and exclusion: Iran's selective instrumentalization of Afghan migrants. <https://www.clingendael.org/publication/between-inclusion-and-exclusion-irans-selective-instrumentalization-afghan-migrants>.
- Hathaway, J. C., & Gammeltoft-Hansen, T. (2015). Non-refoulement in a world of cooperative

- deterrence. *Columbia Journal of Transnational Law*, 53(2), 235–284.
- Herve, N. (2018). Migration, displacement, and education: Building bridges, not walls. Inclusion of Afghan refugees in the national education system of Iran and Pakistan. *Global Education Monitoring Report*. UNESCO.
- Hoseini, M., & Jahan, D. M. (2022). How do shared experiences of economic shocks impact refugees and host communities? Evidence from Afghan refugees in Iran (Policy Research Working Paper, 35(23), 23-34.
- Human Rights Watch. (1991). Afghanistan: The forgotten war: Human rights abuses and violations of the laws of war since the Soviet withdrawal (Report No. 810).
- Jalali, M. (2024). Narratives of pride: Afghan migrant laborers in Iran. *Comparative Migration Studies*, 12(39), 45-67.
- Kakar, R. (2026). Forced returns of Afghan refugees risk triggering a humanitarian crisis – OpEd. *Eurasia Review*. <https://www.eurasiareview.com/26012026-forced-returns-of-afghan-refugees-risk-triggering-a-humanitarian-crisis-oped>.
- Karami, Jahangir, & Salavarzizadeh, Saleh. (2023). "Strategic-Proactive Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran towards Turkmenistan". *International Relations Researches*, 13(2), 171-202. [in Persian].
- Khatan, P., & Krishan, J. (2022). The obligation of non-refoulement and its erga omnes partes character. *Harvard International Law Journal*. <https://journals.law.harvard.edu/ilj/2022/12/the-obligation-of-non-refoulement-and-its-erga-omnes-partes-character/>.
- Kuschminder, K., & Dora, M. (2009). Migration in Afghanistan: History, current trends and future prospects.
- Mashwani, N. (2025). Displaced and forgotten: Afghan refugees in Iran. <https://csspr.uol.edu.pk/refugees/>.
- McDonnell, N. (2023). Falling through the protection gaps: Inappropriate protection of climate displaced persons in the international refugee legal structure. *The Transnational Human Rights Review*, 10, 1–22.
- Ministry of Disaster Management. (2021). Drought [خشکسالی]. <https://andma.gov.af/dr/%D8%AE%D8%B4%DA%A9%D8%B3%D8%A7%D9%84%DB%8C>.
- Mjaku, G. (2020). Strategic management and strategic leadership. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 10(8), 913–918.
- Modrzejewska-Leśniewska, J. (2020). Afghan migrants in Iran in modern times. *Studia z Polityki Publicznej*, 7(4), 9–30.
- Moezzi, S. M. I., Etemadi, M., Lankarani, K. B., & Joulaei, H. (2024). Barriers and facilitators to primary healthcare utilization among immigrants and refugees of low and middle-income countries: A scoping review. *Global Health*, 20(75), 67-80.
- Moghadam, A., & Jadali, S. (2022). Immigration and revolution in Iran: Asylum politics and state consolidation. *REMHU: Revista Interdisciplinar da Mobilidade Humana*, 29, 21–41. [in Persian]
- Mohammad, J. A.-Sh., Diana, G., Gholamreza, J., Mohammadian, H., & Rasoul, S. (2005). A study of Afghans living in Mashad. EC Stifting Vluchteling, UNHCR
- Mohseni, R., Bazrafkan, L., & Shokrpour, N. (2024). Identification of the components of health quality of life in Afghan refugees' UN camp in Fars Province, Iran: A qualitative study. *Iranian Journal of Health Sciences*, 12(3), 185–194. [in Persian]
- Moradian, Davoud. (1404). The Crisis of Afghan Migration and the Need to Revisit Iran's Policies. *Shargh Newspaper*. <https://sharghdaily.com/>.
- Mujda, W. (2003). Afghanistan ve Panj Sal Seleteyi Taliban [Afghanistan and five years of Taliban rule]. Tehran: Nay Yayınları.
- Nasr Esfahani, Arash. (2024). Arash Nasr Esfahani, sociologist and researcher: The social issues depicted in the image of migration threats exacerbate our challenges with Afghan migrants.
- Omer, S. K. (2018). SWOT analysis - The tool of organizations stability (KFC) as a case study. *Journal of Process Management – New Technologies, International*, 6(4), 27–34.
- Owen, C. H., & Scougall, B. (2025). Climate change and forced displacement: A case for refugee status.
- Patel, P., Bernays, S., Dolan, H., Muscat, D. M., & Trevena, L. (2021). Communication experiences in

- primary healthcare with refugees and asylum seekers: A literature review and narrative synthesis. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(4), 44-69.
- Qasemy, A. (2025). Securitization, exploitation and temporization of Afghan immigrants and refugees in Iran. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*, 8(12), 983-992.
- Qehaja, A., Berisha, K., Enver, P., & Justina, S. (2017). Strategic management tools and techniques usage: A qualitative review. *Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis*, 65(2), 585-600
- Rajai, B. (2009). The politics of refugee policy in post-revolutionary Iran. *Middle East Journal*, 54(1), 44-63.
- Refugees, United Nations High Commissioner for. (2024). Figures at a glance. UNHCR. <https://www.unhcr.org/about-unhcr/who-we-are/figures-glance>.
- Robert Bosch Stiftung and Migration Policy Institute. (2021). The Refugee Convention at 70: What does the future hold in an increasingly bordered world?. <https://www.bosch-stiftung.de/en/story/refugee-convention-70-what-does-future-hold-increasingly-bordered-world>.
- Ruiz, H. A. (2004). Afghanistan: Conflict and displacement 1978 to 2001. <https://www.fmreview.org>.
- Sadeghi, R. (2005). Study of Afghans living in Mashad. European Commission (EC) and Stichting Vluchteling, UNHCR.
- Sadeghi, R. and Abbasi-Shavazi, M. J. (2016). Return Migration to Afghanistan or Staying in Iran among Afghan Youth. *Iranian Population Studies*, 2(1), 119-150.
- Safdar, M., Chahar Mahali, A., & Scott, J. W. (2023). Border security, migration and state stability in West and South Asia. *Journal of Borderlands Studies*, 38(2), 211-225.
- Sajjadi, A. (2018). *Siyaseti Harici Afganistan [Afghanistan's foreign policy]*. Kabul: Vaje Yayınları.
- Schöch, R. (2008). Afghan refugees in Pakistan during the 1980s: Cold War politics and registration practice. *New Issues in Refugee Research* (157), 1-17.
- Shvangiradze, T. (2023). 1979 Soviet invasion of Afghanistan: The beginning of the USSR's end. <https://www.thecollector.com/soviet-ussr-invasion-afghanistan/>.
- Siavoshi, S. (2024). Afghans in Iran: The state and the working of immigration policies. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 51(1), 209-223.
- The Office of the High Commissioner for Human Rights. (2025). Differentiation between migrants and refugees. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Issues/Migration/GlobalCompactMigration/MigrantsAndRefugees.pdf>.
- UNHCR. (2021). Şiddet artarken Afgan mülteciler İran'a ulaşıyor [Afghan refugees reach Iran as violence escalates]. <https://www.unhcr.org/tr/30095-afghan-refugees-reach-iran-as-violence-escalates.html>.
- UNHCR. (2025a). Refugees in Iran. Available at: <https://www.unhcr.org/ir/refugees-iran>.
- Verduijn, S. (2020). Destination unknown: Afghans on the move in Turkey [Bilinmeyen yön: Türkiye'de ilerleyen Afganlar]. MMC Middle East Research Summary.
- Victoria, M., Wright, J. D., Clint, T., & Hamilton, L. K. (2017). Immigration. *The SAGE Encyclopedia of Political Behavior*, 12(5), 380-388.
- Yellinck, R. (2021, September 24). The politics and geopolitics of the Afghan refugee crisis. Middle East Institute. <https://mei.edu/publication/politics-and-geopolitics-afghan-refugee-crisis>.
- Zandi-Navgran, L. , Askari-Nodoushan, A. , Afrasiabi, H. , Sadeghi, R. and Abbasi-Shavazi, M. J. (2022). Migrants' Perception of Social Distance with Iranians: A Qualitative Study among Afghan Immigrants. *Strategic Research on Social Problems*, 11(4), 1-26.

تحلیل پیامدهای ژئوپولیتیکی مهاجران افغان در ایران

مقاله

فصلنامه علمی، پژوهشی وزارتین گرید **B** دارای درجه **ISC**

روابط بین الملل

اقتصاد

فرصت‌ها و چالش‌ها

نویسنده مسئول :

محمود رشناواز

m.rashnavaz@iaua.ac.ae

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات،

دانشگاه آزاد اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)

۱۴۰۵/۰۲/۱۴